

﴿...أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ یونس: ۱۰۵

با یکتاپرستی به دین روی آور و هرگز از مشرکان نباش.

التَّذَيُّنُ فِطْرِيٌّ فِي الْإِنْسَانِ. وَ التَّارِيخُ يَقُولُ لَنَا:

دینداری در انسان فطری است. و تاریخ به ما می‌گوید:

لَا شُعْبَ مِنْ شُعُوبِ الْأَرْضِ إِلَّا وَكَانَ لَهُ دِينٌ وَطَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ.

هیچ ملتی از ملت‌های زمین نیست مگر اینکه دینی و شیوه‌ای برای عبادت داشته است.

فَالْأَثَارُ الْقَدِيمَةُ الَّتِي اكْتَشَفَهَا الْإِنْسَانُ، وَ الْحَضَارَاتُ الَّتِي عَرَفَهَا مِنْ خِلَالِ الْكِتَابَاتِ وَ النَّقُوشِ وَ الرُّسُومِ وَ التَّمَاثِيلِ،

آثار قدیمی که انسان آنها را کشف کرده و تمدن‌هایی که از طریق دست‌نوشته‌ها، کنده‌کاری‌ها، نقاشی‌ها و مجسمه‌ها شناخته است،

تُوَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالْدِّينِ وَ تَدُلُّ عَلَى أَنَّهُ فِطْرِيٌّ فِي وُجُودِهِ؛ وَلَكِنَّ عِبَادَاتِهِ وَ شَعَائِرَهُ كَانَتْ خُرَافِيَّةً؛

اهمیت (توجه) انسان به دین را تأکید می‌کند و دلالت بر این دارد که آن (دین) در وجودش [امری] فطری است. اما عبادت‌ها و مراسم خرافی بوده است؛

مِثْلُ تَعَدُّدِ الْأَلِهَةِ وَ تَقْدِيمِ الْقَرَابِينَ لَهَا لِكَسْبِ رِضَاهَا وَ تَجَنُّبِ شَرِّهَا.

مثل تعدد خدایان و تقدیم قربانی‌ها برای آنها به خاطر کسب خشنودی‌شان و دور ماندن از بدی‌شان.

وَازْدَادَتْ هَذِهِ الْخُرَافَاتُ فِي أَدْيَانِ النَّاسِ عَلَى مَرَّ الْعُصُورِ.

این خرافات در دین‌های مردم با گذشت زمان‌ها افزایش یافته است.

وَلَكِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَثْرِكِ النَّاسُ عَلَى هَذِهِ الْحَالَةِ؛ فَقَدْ قَالَ فِي كِتَابِهِ الْكَرِيمِ:

اما خداوند تبارک و تعالی مردم را در این حالت رها نکرده است؛ در کتاب ارزشمند خود فرموده است:

﴿أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى﴾ الْقِيَامَةُ: ۳۶

آیا انسان گمان می‌کند که بیهوده رها می‌شود؟

لِذَلِكَ أَرْسَلَ إِلَيْهِمُ الْأَنْبِيَاءَ لِيُبَيِّنُوا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ وَ الدِّينَ الْحَقَّ.

بنابراین پیامبران را به سوی آنها فرستاد تا راه مستقیم و دین حق را آشکار کنند.

وَ قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ عَنْ سِيرَةِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ صِرَاعِهِمْ مَعَ أَقْوَامِهِمُ الْكَافِرِينَ.

و قرآن کریم با ما از سیره پیامبران و مبارزه آنها با اقوام کافرشان سخن گفته است.

وَلَنَذْكُرَ مِثْلًا لِإِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذِي حَاوَلَ أَنْ يُنْقِذَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ.

و برای مثال ابراهیم خلیل علیه السلام را باید به یاد آوریم که سعی کرد قومش را از پرستش بت‌ها نجات دهد.

فَفِي أَحَدِ الْأَعْيَادِ لَمَّا خَرَجَ قَوْمُهُ مِنْ مَدِينَتِهِمْ، بَقِيَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَحِيدًا، فَحَمَلَ فَأَسَاءَ،

در یکی از عیدها هنگامی که مردمش از شهرشان خارج شدند ابراهیم علیه السلام تنها باقی ماند.



وَ كَسَرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي الْمَعْبَدِ إِلَّا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ، ثُمَّ عَلَّقَ الْفَأْسَ عَلَى كَيْفِهِ وَ تَرَكَ الْمَعْبَدَ.

پس یک تبر برداشت و همه بت‌ها جز بت بزرگ را در پرستشگاه شکست، سپس آن تبر را به دوش او آویخت و پرستشگاه را ترک کرد.

وَلَمَّا رَجَعَ النَّاسُ، شَاهَدُوا أَصْنَامَهُمْ مُكْسَرَةً، وَ ظَنُّوا أَنَّ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ هُوَ الْفَاعِلُ، فَأَحْضَرُوهُ لِلْمُحَاكَمَةِ وَ سَأَلُوهُ:

وقتی مردم برگشتند بت‌هایشان را شکسته دیدند و گمان کردند که ابراهیم علیه السلام آن را انجام داده است (انجام‌دهنده آن کار است). پس او را برای محاکمه آوردند و از او سؤال کردند:

«... أَ أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِالْهَيْئَةِ يَا إِبْرَاهِيمُ؟» الْأَنْبِيَاءُ: ۶۲

ای ابراهیم آیا تو این کار را با خدایان ما انجام دادی؟

فَأَجَابَهُمْ: لِمَ تَسْأَلُونَنِي؟! إِسْأَلُوا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ.

به آنها پاسخ داد: چرا از من می‌پرسید؟ از بت بزرگ بپرسید.

بَدَأَ الْقَوْمُ يَتَهَامَسُونَ: «إِنَّ الصَّنَمَ لَا يَتَكَلَّمُ؛ إِنَّمَا يَقْصِدُ إِبْرَاهِيمُ الْإِشْتِهَاءَ بِأَصْنَامِنَا».

مردم شروع به پی‌چ‌پیچ کردند: «به راستی بت سخن نمی‌گوید؛ ابراهیم حتماً قصد مسخره کردن بت‌های ما را دارد».

وَهُنَا «قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانْصُرُوا آلِهَتَكُمْ» الْأَنْبِيَاءُ: ۶۸

و اینجا گفتند: او را بسوزانید و خدایانتان را یاری کنید.

فَقَذَفُوهُ فِي النَّارِ، فَأَنْقَذَهُ اللَّهُ مِنْهَا.

پس او را در آتش پرتاب کردند و خداوند از آن نجاتش داد.

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ. صفحه ۴ کتاب درسی

درست و غلط را براساس متن درس مشخص کن.

① كَانَ الْهَدَفُ مِنْ تَقْدِيمِ الْقَرَابِينَ لِلْإِلَهِ كَسْبَ رِضَاهَا وَ تَجَنُّبَ شَرِّهَا. ✓

هدف از تقدیم قربانی‌ها برای خدایان کسب خشنودی‌شان و دور ماندن از بدی‌شان بود.

② عَلَّقَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْفَأْسَ عَلَى كَيْفِ أَضْعَرِ الْأَصْنَامِ. ✗

ابراهیم تبر را بر دوش کوچک‌ترین بت‌ها آویخت.

③ لَمْ يَكُنْ لِبَعْضِ الشُّعُوبِ دِينٌ أَوْ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ. ✗

برخی ملت‌ها دین یا روشی برای عبادت نداشتند.

④ الْآثَارُ الْقَدِيمَةُ تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالدِّينِ. ✓

آثار قدیمی توجه انسان را به دین تأکید می‌کند.

⑤ إِنَّ التَّنْذِينَ فِطْرِي فِي الْإِنْسَانِ. ✓

به‌راستی دینداری در انسان فطری است.

⑥ لَا يَثْرُكُ اللَّهُ الْإِنْسَانَ سُوءٍ. ✓

خدا انسان را بیهوده رها نمی‌کند.



درسنامه

۱- الحُرُوفُ الْمُسَبَّهَةُ بِالْفِعْلِ

با معانی دقیق حروف پرکاربرد «إِنَّ، أَنَّ، كَأَنَّ، لَيْتَ، لَعَلَّ» آشنا شوید:

إِنَّ: پس از خود را تأکید می‌کند و به معنای «قطعاً، همانا، به درستی که، بی‌گمان» است و غالباً در اول جمله و بعد از «قال» و مشتقات آن و گاهی اوقات برای تکیه کلام می‌آید و اگر در جمله‌ای، به غیر از آیات و احادیث ترجمه نشد، اشکالی ندارد.

❖ **مثال:** «... إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» التَّوْبَةُ: ۱۲۰

بی‌گمان خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند.

«إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا...» الْأَخْرُف: ۳

«قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهْرٍ...» الْبَقَرَةُ: ۲۴۹

گفت بی‌شک خداوند آزمایش‌کننده شما به وسیله رودخانه‌ای است.

«... وَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» الْحَجَّ: ۳۹

و بی‌گمان خدا بر یاری آنها تواناست.

أَنَّ: به معنای «که» است و دو جمله را به هم پیوند می‌دهد که همان حرف ربط فارسی است که غالباً در وسط جمله می‌آید.

❖ **مثال:** «قَالَ أَغْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» الْبَقَرَةُ: ۲۵۹

گفت می‌دانم که خدا بر هر چیزی تواناست.

كَأَنَّ: به معنای «گویى» و «مانند» است.

❖ **مثال:** «كَأَنَّهُمْ الْيَاقُوتُ وَ الْمَرْجَانُ» الرَّحْمَن: ۵۸

آنان مانند یاقوت و مرجان‌اند.

كَأَنَّ: إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةً لَا تُدْرَكُ.

گویى خشنود ساختن همه مردم، هدفی است که به دست نمی‌آید.

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوفٌ» الْأَصْف: ۴

بی‌گمان خدا دوست دارد کسانی را که در راه او صف در صف جهاد می‌کنند گویى آنها بنایی محکم و استوارند.

لَيْتَ: به معنای «ولی» و «بلکه» برای بر طرف کردن ابهام جمله قبل از خودش است و معمولاً حکم ما قبل آن با حکم ما بعد آن فرق دارد.

❖ **مثال:** مَا جَاءَنِي عَلَيَّ لَكِنَّ أَحْمَدَ جَاءَ.

علی نزد من نیامد بلکه احمد آمد.

«إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ» الْبَقَرَةُ: ۲۴۳

بی‌گمان خدا دارای بخشش بر مردم است، ولی بیشتر مردم سپاسگزاری نمی‌کنند.

«فَهَذَا يَوْمُ الْبُعْثِ وَلَكِنِّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» الزُّم: ۵۶

پس این، روز رستاخیز است ولی شما نمی‌دانستید.



لَيْتَ: به معنای «کاش» و بیانگر امید و آرزوست و به صورت «یا لَيْتَ» هم به کار می‌رود.

◀ **مثال:** «و يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا» اَلْبَنَاءُ: ۴۰ و کافر می‌گوید ای کاش من خاک بودم!

«قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ» یس: ۳۶

گفته شد: «وارد بهشت شو!» گفت: «ای کاش قوم من آگاه بشوند!»

لَيْتَ الشَّبَابِ يَعُودُ. لَيْتَ جوانی برگردد.

لَعَلَّ: یعنی «شاید» و «امید است» در مورد امر ممکن و در معنی امید به تحقق امری به کار می‌رود.

◀ **مثال:** «إِنَّا جَعَلْنَاهُ قرآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» اَلرَّحْفُ: ۳

همانا ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم **شاید** (امید است) شما خرد ورزی کنید.

«لا تدري لَعَلَّ الله يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا» طلاق: ۱ نمی‌دانی **شاید** خدا پس از این پیشامدی پدید آورد.

تکسر

فعل مضارع در جمله دارای «لَعَلَّ» و «لَيْتَ» به صورت «مضارع التزامی» ترجمه می‌شود.

◀ **مثال:** لَيْتَ صَدِيقِي يَنْجَحُ فِي الْمُسَابَقَةِ! کاش دوستم در مسابقه **پیروز شود!**

لَيْتَنِي أَشَاهِدَ جَمِيعَ مَدَنٍ بِلَادِي! کاش همه شهرهای کشورم را **ببینم!**

«... فَاذْكُرُوا آيَةَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» الْأَنْعَام: ۶۹

پس نعمت‌های خدا را به یاد آورید شاید که **رستگار شوید.**

فعل ماضی را در جمله دارای «لَيْتَ» می‌توان به صورت «ماضی استمراری» یا «ماضی بعید» ترجمه کرد،

اما به منظور آسان کردن کار دانش‌آموز، ترجمه ماضی استمراری مطلوب است.

◀ **مثال:** لَيْتَ نَاصِرًا اتَّبَعَدَ عَنِ الْكَسَلِ!

کاش ناصر از تنبلی دوری می‌کرد! (ماضی استمراری)

کاش ناصر از تنبلی دوری کرده بود! (ماضی بعید)

۲- لَا النَّافِيَةُ لِلْجُنْسِ

انواع «لا» و معنای آنها در جمله:

۱- **حرف جواب:** در پاسخ به حرف پرسشی «هل» و «أ» است.

◀ **مثال:** أَنْتَ مِنْ مَازَنْدَرَانِ؟ لا، أَنَا مِنْ سَمْنَانَ.

۲- **حرف عطف:** دو کلمه را به همدیگر ربط می‌دهد.

◀ **مثال:** جَاءَ مُحَمَّدٌ لا عَلِيٍّ. مُحَمَّد آمد، نه علی.

صَدِيقُكَ مَنْ صَدَقَكَ لا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

دوست تو کسی است که به تو راست بگوید نه کسی که تو را تصدیق کند.



۳- **نافیه (نفی):** بر سرفعل مضارع می آید و به صورت مضارع اخباری منفی ترجمه می شود و آخر فعل تغییر نمی کند.

◀ **مثال:** يَذْهَبُ: می رود ← لَا يَذْهَبُ: نمی رود

«... إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» التَّوْبَةُ: ۱۲۰ همانا خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نمی کند.

۴- **ناهیه (نهی):** بر سرفعل مضارع می آید و به صورت نهی یا امر منفی ترجمه می شود و آخر فعل تغییر می کند؛

◀ **مثال:** تَذْهَبُ: می روی ← لَا تَذْهَبُ: نرو

«وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ...» الْأَنْعَام: ۱۰۸

و کسانی را که به غیر خدا فرا می خوانند **دشنام** ندهید زیرا که به خدا دشنام دهند.

۵- **نافیه لِلْجِنْس (نفی جنس):** بر سر اسم می آید و آن اسم «أَل» و یا «تَنوین» نمی گیرد، بلکه غالباً فتحه َ می گیرد و

حرف «لا» به معنی «هیچ ... نیست» یا «وجود ندارد» ترجمه می شود.

◀ **مثال:** لَا كَنْزٌ أَغْنَى مِنَ الْقَنَاعَةِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ. هیچ گنجی بی نیازکننده تر از قناعت نیست.

لَا فَقْرٌ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ. هیچ فقری سخت تر از نادانی نیست.

«... لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا...» الْبَقَرَةُ: ۳۲ جز آنچه به ما آموختی، هیچ دانشی نداریم (برای ما نیست).

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۱): تَرْجِمِ هَاتَيْنِ الْاِثْنَيْنِ الْكَرِيمَيْنِ. صفحه ۷ کتاب درسی

خودت را امتحان کن: این دو آیه شریفه را ترجمه کن.

① «فَهَذَا يَوْمُ الْبُعْثِ وَلِكِنِّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» الزُّمَر: ۵۶

پس این، روز رستاخیز است، اما شما نمی دانستید.

② «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ» الصَّف: ۴

بی گمان خدا دوست دارد کسانی را که در راه او صف در صف جهاد می کنند گویی آنها بنایی محکم و استوارند.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۲): تَرْجِمِ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ. صفحه ۸ کتاب درسی

خودت را امتحان کن: این حدیث ها را براساس قواعد درس ترجمه کن.

① لَا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْفَعْلِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

هیچ خیری در سخن گفتن نیست مگر با کردار.

② لَا جِهَادَ كَجِهَادِ النَّفْسِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

هیچ مبارزه ای مثل مبارزه با نفس نیست.

③ لَا لِبَاسٍ أَجْمَلُ مِنَ الْعَافِيَةِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

هیچ لباسی زیباتر از تندرستی نیست.

④ لَا فَقْرٌ كَالْجَهْلِ وَ لَا مِيرَاتٌ كَالْأَدَبِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

هیچ فقری مثل نادانی و هیچ میراثی مثل ادب نیست.



اختَبِرْ نَفْسَكَ (۳)؛ اِمْلًا الْفَرَاغَ فِي مَا يَلِي، ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَ «لا» فيه. صفحه ۹ کتاب درسی

خودت را امتحان کن: جای خالی را در آنچه در زیر می‌آید پر کن، سپس نوع «لا» را در آن مشخص کن.

۱ ﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ...﴾ الْأَنْعَام: ۱۰۸

و کسانی را که به غیر خدا فرا می‌خوانند -- دشنام ندهید؛ -- زیرا که به خدا دشنام دهند. («لا» التَّاهِيَةِ لِلْفِعْلِ الْمُضَارِعِ)

۲ ﴿وَلَا يَخْزِيكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً...﴾ يُونُس: ۶۵

گفتارشان تو را -- اندوهگین نکند؛ زیرا ارجمندی، همه -- از آن -- خداست. («لا» التَّاهِيَةِ لِلْفِعْلِ الْمُضَارِعِ)

۳ ﴿... هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ...﴾ الزُّمَر: ۹

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که -- نمی‌دانند -- برابر هستند؟ («لا» التَّاهِيَةِ لِلْفِعْلِ الْمُضَارِعِ)

۴ ﴿... رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَاطِقَةٌ لَنَا بِهِ...﴾ الْبَقَرَة: ۲۸۶

پروردگارا، آنچه توانش را نداریم بر ما -- تحمیل نکن. -- («لا» التَّاهِيَةِ لِلْفِعْلِ الْمُضَارِعِ، «لا» التَّاهِيَةِ لِلْجِنْسِ)

۵ ﴿لَا يَزِجُكُمُ اللَّهُ مَنْ لَا يَزِجُكُمُ النَّاسُ.﴾ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

خدا رحم نمی‌کند به کسی که به مردم -- رحم نمی‌کند. -- («لا» التَّاهِيَةِ لِلْفِعْلِ الْمُضَارِعِ)

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟ صفحه ۱۰ کتاب درسی

تمرین اول: چه کلمه‌ای از کلمه‌های واژه‌نامه درس با توضیحات زیر تناسب دارد؟

۱ آله ذات ید مِنَ الْخَشَبِ وَ سِنَّ عَرِيضَةٍ مِنَ الْحَدِيدِ يُقَطَّعُ بِهَا: أَلْفَاسٌ

ابزاری دارای دسته‌ای از چوب و دندانی پهن از آهن که با آن بریده می‌شود. (تبر)

۲ تِمَثَالٌ مِنْ حَجَرٍ أَوْ خَشَبٍ أَوْ حَدِيدٍ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ: الصَّنَمُ

مجسمه‌ای از سنگ یا چوب یا آهن که به جای خدا عبادت می‌شود. (بت)

۳ عُضْوٌ مِنْ أَعْضَاءِ الْجِسْمِ يَبْقَى فَوْقَ الْجَذَعِ: أَلْكِثْفُ

عضوی از اعضای بدن که روی تنه قرار می‌گیرد. (شانه)

۴ أَلتَّارِكُ لِلْبَاطِلِ وَ أَلْمُتَمَائِلُ إِلَى الدِّينِ الْحَقِّ: أَلْحَنِيفُ

ترک‌کننده باطل و روی‌آورنده به دین حق. (یکتاپرست)

۵ إِنَّهُمْ بَدَّوْا يَتَكَلَّمُونَ بِكَلَامٍ خَفِيِّ: تَهَامَسُوا

آنها با سخنی پنهانی شروع به سخن گفتن کردند. (پچ پچ کردند)



اَلتَّمْرِیْنُ الثَّانِی: تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ الثَّالِثَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْحَرْفَ الْمُشَبَّهَ بِالْفِعْلِ، وَلَا الثَّانِیَةَ لِلْجِنْسِ صفحه ۱۰ کتاب درسی

تمرین دوم: عبارت‌های زیر را ترجمه کن، سپس حرف مشبّه بالفعل و لا نفی جنس را تعیین کن.

۱ ﴿فَبَلِّغْ أَدْخِلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَأْتِيَتْ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ...﴾ یس: ۲۶ و ۲۷

گفته شد: «وارد بهشت شو!» گفت: «ای کاش قوم من به آنچه که پروردگارم مرا [با آن] آمرزید و از گرامی‌شدگان قرارم داد، آگاه بشوند!»

۲ ﴿... لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا...﴾ التَّوْبَةُ: ۴۰

اندوهگین نباش، همانا خدا با ماست. (لا تَحْزَنْ: لا النّاهیه للفعل المضارع - إِنَّ: الحرف المشبّه بالفعل)

۳ ﴿... لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ...﴾ الصَّافَّات: ۳۵

هیچ معبودی جز خدا نیست. (لا إِلَهَ: لا النّاهیه لِلْجِنْسِ)

۴ ﴿لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ.﴾ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

هیچ دینی برای کسی که هیچ پیمانی ندارد نیست. (لا دینَ، لا عَهْدَ: لا النّاهیه لِلْجِنْسِ)

اَلتَّمْرِیْنُ الثَّالِثُ: أ. اقْرَأِ الشَّعْرَ الْمُنْسُوبَ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، ثُمَّ عَيِّنِ تَرْجَمَةَ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ. صفحه ۱۱ کتاب درسی

تمرین سوم: شعر منسوب به امام علی علیه السلام را بخوان، سپس ترجمه کلمه‌هایی را که زیرشان خط است، مشخص کن.

أَيُّهَا الْفَاحِشُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ	إِنَّمَا النَّاسُ لَأُمٌّ وَ لَأَبٌ
هَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ فِضَّةٍ	أَمْ حَدِيدٍ أَمْ نُحَاسٍ أَمْ ذَهَبٍ
بَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ طِينَةٍ	هَلْ سِوَى لَحْمٍ وَ عَظْمٍ وَ عَصَبٍ
إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَقْلِ ثَابِتٍ	وَ حَيَاءٍ وَ عَفَافٍ وَ أَدَبٍ

ای که نابخردانه افتخارکننده به دودمان هستی، مردم تنها از یک مادر و یک پدرند (هستند).

آیا آنان را می‌بینی (می‌پنداری) که از نقره، آهن، مس یا طلا آفریده شده‌اند؟

بلکه آنان را می‌بینی (می‌پنداری) از تگه گلی آفریده شده‌اند. آیا به جز گوشت و استخوان و پی‌اند؟

افتخار تنها به خردی استوار، شرم، پاکدامنی و ادب است.

ب. اسْتَخْرِجْ مِنَ الْأَبْيَاتِ اسْمَ الْفَاعِلِ، وَالْفِعْلَ الْمَجْهُولَ، وَالْجَارَ وَالْمَجْرُورَ، وَالصِّفَةَ وَالْمَوْصُوفَ.

اسم فاعل، فعل مجهول، جار و مجرور و صفت و موصوف را از ابیات استخراج کنید.

اسم الفاعل: الْفَاحِشُ، ثَابِتٌ
 الْجَارُ وَالْمَجْرُورُ: بِالنَّسَبِ، لَأُمٍّ، لَأَبٍ، مِنْ فِضَّةٍ، مِنْ طِينَةٍ، لِعَقْلِ
 الصِّفَةُ وَالْمَوْصُوفُ: عَقْلٌ ثَابِتٌ (عَقْلٌ: الموصوف، ثَابِتٌ: الصفة)
 الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ: خُلِقُوا



التَّامِرِينَ الرَّابِعُ، تَرْجَمُ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ، ثُمَّ عَيَّنَ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ. صفحه ۱۲ کتاب درسی

تمرین چهارم: حدیث‌های نبوی را ترجمه کن، سپس چیزی را که از تو خواسته شده است، مشخص کن.

۱) كُلُّ طَعَامٍ لَا يُذَكَّرُ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ، فَإِنَّمَا هُوَ دَاءٌ وَلَا بَرَكَةٌ فِيهِ. (الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ وَنَوْعُ لَا)

هر غذایی که اسم خدا بر آن برده نمی‌شود حتماً بیماری است و هیچ برکتی در آن نیست.

الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ: لَا يُذَكَّرُ

نوع لا: لَا يُذَكَّرُ: لا النَّافِيَةُ لِلْفِعْلِ الْمَضَارِعِ، لَا بَرَكَةٌ: لا النَّافِيَةُ لِلْجِنْسِ

۲) لَا تَغْضَبْ، فَإِنَّ الْعُضْبَ مَفْسَدَةٌ. (نَوْعُ الْفِعْلِ)

خشم نگیر. به راستی خشم مایه تباهی است.

نَوْعُ الْفِعْلِ: فِعْلُ التَّهْيِي

۳) لَا فَقْرَ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ وَلَا عِبَادَةَ مِثْلَ التَّفَكُّرِ. (المُضَافُ إِلَيْهِ وَنَوْعُ لَا)

هیچ فقری شدیدتر از نادانی و هیچ عبادتی مثل اندیشیدن نیست.

المُضَافُ إِلَيْهِ: التَّفَكُّرِ

نوع لا: لَا فَقْرَ، لَا عِبَادَةَ: لا النَّافِيَةُ لِلْجِنْسِ

التَّامِرِينَ الْخَامِسُ: لِلتَّرْجَمَةِ. صفحه ۱۳ کتاب درسی

تمرین پنجم: برای ترجمه.

۱	جَلَسَ: نشست	جَلَسْنَا: نشستیم	لَا تَجْلِسُوا: ننشینید	اجْلِسْ: بنشینید
		اجْلِسُوا: بنشینید	الْجَالِسُ: نشسته	الْمَجْلِسُ: مجلس (مکان نشستن)
۲	أَجْلَسَ: نشانید	أَجْلَسَ: نشان	يُجْلِسُونَ: می‌نشانند	لَا تُجْلِسِي: نشان
		سَيُجْلِسُ: خواهد نشانید	لَمْ يُجْلِسُوا: نشانیدند	الْإِجْلَاسُ: نشانیدن
۳	فَهِمَّ: فهمید	فَهِمْتُ: فهمیدم	قَدْ فَهِمْتُ: فهمیدی	لَمْ أَفْهَمْ: نفهمیدم
		لَا يُفْهَمُ: نمی‌فهمد	إِفْهَمْ: بفهم	سَوْفَ يُفْهَمُ: خواهد فهمید
۴	فَهَّمَ: فهمانید	فَهَّمْتُ: فهمانیدم	فَهَّمَ: فهمانیده شد	لَنْ يُفَهَّمَ: نخواهد فهمانید
		لِيُفَهَّمَ: باید بفهماند	الْمُفَهَّمُ: فهماننده	سَوْفَ أُفَهَّمُ: خواهم فهمانید



۵	قَطَعَ: بُرید	قُطِعَ: بُریده شد	كَانُوا قَطَعُوا: بُریده بودند	كَانَا يَقْطَعَانِ: می بُریدند
		لَا تَقْطَعُ: نَبُر	الْقَاطِعَةُ: بُرنده	الْمَقْطُوعُ: بُریده شده
۶	انْقَطَعَ: بُریده شد	مَا انْقَطَعَ: بُریده نشد	لَمْ يَنْقَطِعْ: بُریده نشد (نشده است)	سَيَنْقَطِعُ: بُریده خواهد شد
		لَنْ يَنْقَطِعَ: بُریده نخواهد شد	لَيَنْقَطِعُ: باید بُریده شود	الْإِنْقِطَاعُ: بُریده شدن
۷	عَفَرَ: آمرزید	لَيْتَهُ يَغْفِرُ: ای کاش او بیامرزد	لَيْتَهُ عَفَرَ: ای کاش او می آمرزید	قَدْ عَفَرَ: آمرزیده است
		لَا يَغْفِرُ: آمرزیده نمی شود	الْعَفَارُ: بسیار آمرزنده	الْمَغْفُورُ: آمرزیده شده
۸	إِسْتَعْفَرَ: آمزش خواست	إِسْتَعْفَرْتُ: آمزش خواستم	قَدْ اسْتَعْفَرْتُمْ: آمزش خواسته اید	الْإِسْتِغْفَارُ: آمزش خواستن
		أَسْتَغْفِرُ: آمزش می خواهم	إِسْتَعْفِرُ: آمزش بخواه	لَا يَسْتَغْفِرُونَ: آمزش نمی خواهند

التَّامِرِينَ السَّادِسُ: اقْرَأْ هَذِهِ الْأَنْشُودَةَ؛ ثُمَّ تَرَجِّمْهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ. صفحه ۱۴ کتاب درسی

تمرین ششم: این سرود را بخوان، سپس آن را به فارسی ترجمه کن.

يا إلهي، يا إلهي	يا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ	ای خدای من، ای خدای من، ای برآورنده دعاها،
اجْعَلِ الْيَوْمَ سَعِيداً	وَ كَثِيرَ الْبَرَكَاتِ	امروز را خوش اقبال و پربرکت قرار بده.
وَ امْلَأِ الصَّدْرَ انْشِرَاحاً	وَ قَمِي بِالْبَسْمَاتِ	و سینه را از شادمانی و دهانم را از لبخندها پر کن.
وَ أَعْنِي فِي دُرُوسِي	وَ أَدَاءِ الْوَاجِبَاتِ	و مرا در درس هایم و انجام تکالیف یاری کن.
وَ أَيْزِ عَقْلِي وَ قَلْبِي	بِالْعُلُومِ النَّافِعَاتِ	و خرد و دلم را با دانش های سودمند روشن کن.
وَ اجْعَلِ التَّوْفِيقَ حَظِّي	وَ نَصِيبي فِي الْحَيَاةِ	و موفقیت را بخت و بهره من در زندگی قرار بده.
وَ امْلَأِ الدُّنْيَا سَلاماً	شَامِلاً كُلَّ الْجِهَاتِ	و دنیا را از صلحی فراگیر در همه جهت ها پر کن.
وَ اَحْمِنِي وَ اَحْمِ بِلَادِي	مِنْ شُرُورِ الْحَادِثَاتِ	و من و کشورم را از پیشامدهای بد نگهداری کن.